

The preliminary objection concerning "Third Country Measures" in the Judgment of the International Court of Justice in the Jurisdiction, 2021

(Type of Paper: Research Article)

Taha Mousavi Mirkalaei¹, Savalan Mohammadzadeh^{1*}

Abstract

Following the sanctions by the US, on July 16 2018 Iran filed in the ICJ an application instituting proceedings against the US pursuant to Article 21(2) of the Treaty of Amity. The proceeding led to the issuance of a Judgment February 3 2021 and declaring jurisdiction of the court to settle the dispute. During the proceedings, the US as a defendant, challenged the court's jurisdiction and raised some preliminary objections, including "Third Country Measures". The main question is how was reflected in the Judgment of the ICJ, February 3 2021, the "Third Country Measures" as one of the defendant's preliminary objections? The paper concludes descriptively-analytically that inferred from the Court's Judgment, in order to examine the violation of the Treaty of Amity, it is important to determine the jurisdiction based on the US action about sanctions, not on the manner of implementation that could be the US or any other state.

Keywords

Third Country Measures, USA, Iran, International Court of Justice(ICJ), Judgment on the Jurisdiction.

-
1. Former Assistant Prof., Department of Public Law and International Law, Faculty of Judicial Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.
 2. MA. in (International Law), Faculty of Judicial Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

Received: August 31, 2021 - Accepted: December 26, 2021



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

ایراد مقدماتی «اقدام‌های دولت ثالث» در رأی صلاحیتی دیوان بین‌المللی دادگستری ۲۰۲۱

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

طه موسوی میرکلایی^۱، ساوالان محمدزاده^{۲*}

چکیده

در پی وضع تحریم‌ها از طرف ایالات متحده، ایران در ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۸، مطابق بند ۲ ماده ۲۱ عهدنامه مودت، علیه ایالات متحده در دیوان بین‌المللی دادگستری دعوی اقامه کرد. رسیدگی دیوان در مرحله صلاحیتی، به صدور رأی ۳ فوریه ۲۰۲۱ و احراز صلاحیت دیوان منجر شد. در رسیدگی بدوی ایالات متحده به‌عنوان خواننده دعوا، ایراداتی به صلاحیت دیوان وارد کرد که از جمله آنها «اقدام‌های دولت ثالث»^۳ بود. پرسش اصلی آن است که اقدام‌های دولت ثالث به‌عنوان یکی از ایرادات صلاحیتی خواننده، در رأی صلاحیتی ۳ فوریه ۲۰۲۱ دیوان چه بازتابی داشته است؟ مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به این نتیجه نائل می‌شود که با استنباط از رأی صادره، آنچه در احراز صلاحیت، به‌منظور بررسی نقض عهدنامه مودت به‌عنوان معاهده‌ای دوجانبه میان دو کشور حائز اهمیت است، فعل ایالات متحده مبنی بر تحریم است، نه شیوه اجرا و مجری آن فعل که می‌تواند ایالات متحده یا هر دولت دیگری باشد.

کلیدواژگان

اقدام‌های دولت ثالث، ایالات متحده، ایران، دیوان بین‌المللی دادگستری، رأی صلاحیتی.

۱. استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.
Email: Taha_mo61@yahoo.com
۲. دانش‌آموخته کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: savalan.mohamadzadeh75@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۵

3. Third Country Measures

مقدمه

ایران و ایالات متحده پس از پیدایش نظام جمهوری اسلامی، دعاوی حقوقی مختلفی را در دیوان بین‌المللی دادگستری تجربه کرده‌اند. «کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده آمریکا در تهران» (۱۹۸۰) عنوان نخستین دعوی دو دولت در این مرجع قضایی بین‌المللی بود که از جانب ایالات متحده علیه ایران مطرح شده و به سبب عدم حضور ایران در جریان رسیدگی، رأی به صورت غیابی صادر شد. قضیه ایرباس یا «حادثه هوایی ۳ ژوئیه ۱۹۸۸» دعوی دومی بود که ایران به عنوان خواهان علیه ایالات متحده طرح کرد و پس از مصالحه طرفین در خارج از دیوان، خواهان از دعوا صرف نظر می‌کند. «سکوهای نفتی ایران» (۱۹۹۲) عنوانی بود که دیوان برای سومین دعوی میان طرفین برگزید و ایران به عنوان خواهان دعوا را تا حصول رأی ماهوی در دیوان پیگیری کرد. البته سابقه حل و فصل اختلاف‌های بین‌المللی میان این دو دولت، به روش‌های حقوقی، تنها محدود به دادگستری بین‌المللی نبوده و طرفین با توسل به دیوان داوری دعای ایران و ایالات متحده که به موجب بیانیه‌های الجزایر (۱۹۸۱) تأسیس شد، داوری بین‌المللی را نیز به عنوان قالبی حقوقی تجربه کرده‌اند.

در حال حاضر هم دو دعوی حقوقی میان ایران و ایالات متحده در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح است که در هر دو، ایالات متحده خواننده دعواست: یکی دعوی «برخی اموال ایران» (۲۰۱۶) که در پی توقیف اموال بانک مرکزی ایران در ایالات متحده مطرح شد و تاکنون به صدور رأی صلاحیتی دیوان در ۱۳ فوریه ۲۰۱۹ انجامیده است؛ دیگری «نقض ادعایی عهدنامه مودت» (۲۰۱۸) که در پی اعاده و تشدید تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده علیه ایران، مطرح شد و تاکنون به صدور دستور موقت دیوان در ۳ اکتبر ۲۰۱۸ و رأی صلاحیتی مورخ ۳ فوریه ۲۰۲۱ منجر شده است. مقاله حاضر به ارزیابی رأی صلاحیتی صادره در دعوی اخیر با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار مطالعات کتابخانه‌ای می‌پردازد. البته در این ارزیابی، صرفاً یکی از ابعاد رأی، یعنی «اقدام‌های دولت ثالث» را به عنوان یکی از ایرادات صلاحیتی خواننده، بررسی می‌کند.

ایالات متحده پنج ایراد مقدماتی در مورد خواسته ایران مطرح کرده و ضمن آن ایرادات، در خصوص قابلیت پذیرش دعوا نیز اظهار تردید کرد: نخستین ایراد صلاحیتی ایالات متحده آن بود که موضوع اختلاف خارج از صلاحیت موضوعی بند ۲ ماده ۲۱ عهدنامه مودت (۱۹۵۵) قرار گرفته و مربوط به برجام است؛ دومین ایراد ایالات متحده حاکی از آن بود که بیشتر اقدام‌های مورد اعتراض ایران، مربوط به تجارت و معاملات میان ایران و دولت‌های ثالث است، نه میان ایران و ایالات متحده و در نتیجه در قلمرو صلاحیت موضوعی عهدنامه مودت قرار نمی‌گیرد؛ ایراد سوم عدم قابلیت پذیرش دادخواست ایران به علت سوءاستفاده از فرایند دادرسی و عدم

تناسب اقدام قضایی بود. دو ایراد صلاحیتی آخر نیز به شقوق «ب» و «د» بند ۱ ماده ۲۰ عهدنامه مودت، یعنی استثنائات موضوعی این معاهده مربوط می‌شد. استثنائات مزبور عبارت بودند از: همکاری در مبادله مواد هسته‌ای و منافع امنیتی اساسی هریک از طرفین (I.C.J., 2021: para 38). در نهایت، دیوان بین‌المللی دادگستری، همه ایرادات یادشده را رد و صلاحیت خود را جهت رسیدگی به دادخواست ایران احراز کرد (I.C.J., 2021: para 114).

پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که «اقدام‌های دولت ثالث» به‌عنوان یکی از ایرادات صلاحیتی خوانده، در رأی صلاحیتی دیوان بین‌المللی دادگستری مورخ ۳ فوریه ۲۰۲۱ چه بازتابی داشته است؟ فرضیه مقاله پیش‌رو در پاسخ به این پرسش، حکایت از آن دارد که با استنباط از رأی صادره دیوان، آنچه در احراز صلاحیت این مرجع قضایی، به‌منظور بررسی نقض عهدنامه مودت به‌عنوان معاهده‌ای دوجانبه میان ایران و ایالات متحده حائز اهمیت است، فعل ایالات متحده مبنی بر تحریم اقتصادی است، نه شیوه اجرا و مجری آن فعل که می‌تواند ایالات متحده یا هر دولت دیگری باشد. از این‌رو برای احراز صلاحیت دیوان، کافی است که این فعل ظاهراً ناقض مفاد عهدنامه مودت بوده و منتسب به یکی از طرفین معاهده باشد.

نظر به آنکه رأی مورد بحث در ۳ فوریه ۲۰۲۱ صادره شده است، ارزیابی اقدام‌های دولت ثالث در این رأی پیش از این در ادبیات حقوقی موجود به زبان فارسی، مورد مذاقه قرار نگرفته و واجد وصف نوآوری است. مروری اجمالی بر آثار علمی و ادبیات حقوقی مرتبط با موضوع، مثبت این ادعا خواهد بود؛ حسن میرفخرائی و صادق پیری در مقاله‌ای با عنوان «استنادپذیری عهدنامه مودت ۱۹۵۵ درباره تحریم‌های غرب علیه ایران» (۱۳۹۵)، صرفاً به تحلیل این مطلب می‌پردازند که توسل به عهدنامه مودت به‌عنوان مبنای صلاحیتی طرح دعوا در مورد تحریم‌ها، تا چه حد کاربرد داشته و نظر به تاریخ انتشار مقاله، به‌تبع رأی صلاحیتی اخیر دیوان در خصوص موضوع را لحاظ نکرده است. همچنین جعفر حیدرقلی‌زاده و صمد قائم‌پناه در مقاله «مسئولیت بین‌المللی دولت ایالات متحده آمریکا از اعمال تحریم‌های یکجانبه بر علیه جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۷)، اگرچه به‌عنوان رکن مادی مسئولیت بین‌المللی به موارد نقض عهدنامه مودت پرداخته‌اند، جنبه صلاحیتی موضوع را مدنظر قرار نداده و به اقدام‌های دولت ثالث در رأی موردنظر، به‌عنوان یکی از ایرادات صلاحیتی خوانده دعوا توجهی مبذول نداشته‌اند.

تحقیق پیش‌رو در دو بخش تنظیم شده است: بخش نخست، به بررسی پیشینه موضوع و زمینه‌های بروز اختلاف میان دو دولت ایران و ایالات متحده و طرح دعوی ایران خواهد پرداخت. در بخش دوم، ایراد صلاحیتی موردنظر، با تبیین و تحلیل موضع طرفین دعوا و استدلال و استنتاج دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص ایراد، مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

پیشینه اختلاف میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا و

رویه دیوان در موارد مشابه

دولت ایران از ۱ ژوئیه ۱۹۶۸ به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای پیوست. مطابق بند ۱ ماده ۳ این کنوانسیون، هریک از دول طرف معاهده که فاقد سلاح‌های هسته‌ای هستند، متعهد می‌شوند به منظور تضمین اجرای تعهداتشان وفق کنوانسیون و جلوگیری از تولید سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای و انحراف از مصارف صلح‌جویانه، پادمان‌هایی را بپذیرند (این پادمان‌ها طی انعقاد موافقت‌نامه‌ای میان این دولت‌ها با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تنظیم خواهد شد) (U.N. Treaty Series, 1970: art 3). در این زمینه موافقت‌نامه پادمان میان ایران و آژانس، در خصوص معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای از ۱۵ مه ۱۹۷۴ به اجرا درآمد (INFCIRC, 1974: 214).

۱. تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران و زمینه‌های بروز آن

در ۶ ژوئن ۲۰۰۳، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، طی گزارشی اظهار کرد که ایران در اجرای تعهدات خود وفق موافقت‌نامه پادمان، مبنی بر گزارش واردات مواد هسته‌ای و متعاقب آن انجام فراوری و به‌کارگیری این مواد و اعلام تأسیسات هسته‌ای و مکان‌های فراوری و نگهداری این مواد به آژانس، قصور کرده است (IAEA, 2003: 7). در نتیجه این گزارش، شورای حکام آژانس، در قطعنامه مورخ ۴ فوریه ۲۰۰۶، به نقض تعهدات ایران مطابق با موافقت‌نامه پادمان معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تصریح کرده و با اشاره به نبود اطمینان از صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران از سپتامبر ۲۰۰۲، از مدیرکل آژانس درخواست کرد تا موضوع را به شورای امنیت سازمان ملل متحد گزارش دهد (IAEA, 2006: 1-2).

در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶، شورای امنیت وفق ماده ۴۰ منشور ملل متحد، قطعنامه ۱۶۹۶ را تصویب کرد و از ایران خواست که همه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازفراوری مواد هسته‌ای از جمله تحقیق و توسعه را تا تأیید این فعالیت‌ها از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعلیق کند. شورای امنیت در ادامه ابراز کرد که در صورت عدم رعایت مفاد این قطعنامه از جانب ایران، اتخاذ تدابیر مناسب براساس ماده ۴۱ منشور، در جهت ترغیب ایران به پیروی از قطعنامه و الزامات آژانس می‌تواند اتخاذ شود (The security council, RES/1696, 2006). متعاقباً در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶، شورای امنیت قطعنامه ۱۷۳۷ را براساس ماده ۴۱ منشور ملل متحد صادر کرد که به موجب آن، ایران همه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازفراوری مواد هسته‌ای را طبق قطعنامه ۱۶۹۶ به‌طور کامل و مستمر به تعلیق در نیاورده است. شورای امنیت

در این قطعنامه، تصمیم گرفت که همه دولت‌ها باید تدابیر لازم به‌منظور جلوگیری از تهیه، فروش یا انتقال تمامی اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری را که می‌توانند به فعالیت‌های هسته‌ای ایران کمک کنند، اتخاذ نمایند (The security council, RES/1737,2006). شورای امنیت در این قطعنامه اشاره کرد که قصد دارد با اتخاذ تدابیر مناسب برای ترغیب ایران به پیروی از قطعنامه ۱۶۹۶ و الزامات آژانس و همچنین محدود کردن توسعه فناوری‌های حیاتی ایران که در راستای حمایت از برنامه‌های هسته‌ای و موشکی‌اش هستند، به تصمیمات خود اثر بخشد (I.C.J, 2021: para 38).

در سال‌های بعد نیز قطعنامه‌های دیگری در خصوص مسئله هسته‌ای ایران، از جانب شورای امنیت تصویب شد. قطعنامه‌های ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸)، ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) و ۲۲۲۴ (۲۰۱۵) از این جمله‌اند. این قطعنامه‌ها، به‌طور کلی به ممنوعیت ایجاد شعب یا دفاتر نمایندگی بانک‌های ایرانی در دولت‌های دیگر و نیز مراقبت این دول از فعالیت‌های مؤسسات مالی خود با بانک‌های ایرانی و شعب آنها، تهیه، فروش و انتقال سلاح و مواد مربوطه توسط ایران و نیز تهیه چنین اقلامی توسط دول دیگر از ایران، و عدم اعطای وام و کمک‌های بلاعوض و مالی توسط دول دیگر به ایران اشاره می‌کنند. افزون بر ممنوعیت فروش و انتقال اقلام مشخص به ایران در قطعنامه‌های شورای امنیت، شورای اتحادیه اروپا در ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۰ تصمیم شماره 2010/413/CFSP و در ۲۳ مارس ۲۰۱۲ مقرر شماره ۲۶۷/۲۰۱۲ را در مورد اقدام‌های محدودکننده فعالیت‌های هسته‌ای ایران، ممنوعیت صادرات اسلحه، محدود کردن معاملات مالی، تحمیل مسدود کردن اموال و دارایی‌ها و محدودیت سفر برای برخی افراد خاص از مقامات ایران را تصویب کرد (I.C.J, 2021: para 29). ایالات متحده نیز به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، با صدور دستورهای اجرایی ۱۳۵۷۴ (۲۳ مه ۲۰۱۱)، ۱۳۵۹۰ (۲۱ نوامبر ۲۰۱۱)، ۱۳۶۲۲ (۳۰ ژوئیه ۲۰۱۲)، ۱۳۶۲۸ (۹ اکتبر ۲۰۱۲) و ۱۳۶۴۵ (۳ ژوئن ۲۰۱۳)، تحریم‌های یکجانبه‌ای را در زمینه بخش‌های مختلف اقتصاد ایران مقرر کرد (I.C.J, 2021: para 30).

رایزنی ایران برای برون‌رفت از این وضعیت، موجب شد که در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵، «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام)^۱ به تصویب رسید که خاتمه تمامی تحریم‌های تصویب‌شده توسط شورای امنیت و اتحادیه اروپا و نیز توقف اجرای برخی از تحریم‌های ایالات متحده را پیش‌بینی می‌کرد (I.C.J, 2021: para 33). برجام، تفاهمی جامع در مورد برنامه هسته‌ای ایران بود که در پی تفاهم هسته‌ای لوزان^۲، در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ (شامل چین، فرانسه، روسیه، بریتانیا، ایالات متحده و آلمان) منعقد شد. براساس این سند، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در مقام تأیید برجام به تصویب رسید. با تصویب قطعنامه مذکور

1. Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)

2. Lausanne

در شورای امنیت، دولت‌های ۵+۱ تعهد خود مبنی بر خاتمه بخشیدن به قطعنامه‌های تحریمی سابق را عملیاتی کردند (ملاکریمی و جلالی، ۱۳۹۶: ۵۹). متن برجام ضمیمه الف قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است (I.C.J., 2021: para 32). برجام افزون بر یک «برنامه اجرا»، متضمن مقررات مربوط به حل و فصل اختلافات نیز است. مقررات مزبور، روندی را برقرار می‌کند که نقطه شروع آن شکایت یکی از دولت‌های شرکت‌کننده در برجام از دولت دیگر شرکت‌کننده در خصوص عمل نکردن آن دولت به تعهداتش وفق برجام است (I.C.J., 2021: para 33).

۲. اعاده مجدد تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده و طرح دعوای ایران در دیوان

بین‌المللی دادگستری

وضعیت مستقرشده به موجب برجام ادامه داشت تا آن‌که در ۸ مه ۲۰۱۸، رئیس‌جمهور جدید ایالات متحده، با صدور یادداشت ریاست جمهوری، ضمن اعلام پایان همکاری ایالات متحده در برجام، تحمیل مجدد و تشدید «تحریم‌های لغو و ساقط‌شده مرتبط با برجام» را مقرر داشت (NSPM, 2018: 2). در این یادداشت اشاره شده است که نیروهای ایرانی یا تحت حمایت ایران، مشغول فعالیت‌های نظامی در منطقه اطراف بوده و ایران همچنان به‌عنوان دولت حامی مالی تروریسم باقی مانده است. افزون بر اینکه ایران علناً اعلام کرده است که مانع از دسترسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به اماکن نظامی خواهد شد. حسب یادداشت مزبور، به‌دلیل منافع ملی ایالات متحده، تحریم‌ها باید «در سریع‌ترین زمان ممکن» که «در هیچ مورد دیرتر از ۱۸۰ روز» از تاریخ این یادداشت نخواهد بود، مجدداً تحمیل شوند (I.C.J., 2021: para 35). در همین زمان، دفتر نظارت بر دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده نیز اعلام کرد که «تحریم‌ها» در دو مرحله تحمیل خواهند شد: با انقضای مدت ۹۰ روزه، تحریم‌های معین (به‌ویژه) مربوط به معاملات مالی، تجارت فلزات، واردات فرش‌های اصیل ایرانی و مواد غذایی و صادرات هواپیماهای مسافربری تجاری و قطعات مرتبط با آن به ایران را مجدداً تحمیل می‌کند؛ همچنین با انقضای یک دوره ۱۸۰ روزه ایالات متحده تحریم‌هایی مضاعف را تحمیل خواهد کرد (I.C.J., 2021: para 36). همچنین رئیس‌جمهور ایالات متحده در ۶ اوت ۲۰۱۸ با صدور دستور اجرایی ۱۳۸۴۶، دستورهای اجرایی قبلی مربوط به اجرای تعهدات ایالات متحده بر اساس برجام را لغو کرد (I.C.J., 2021: para 37).

در پی این اقدام‌ها، ایران در ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۸، دعوایی را علیه ایالات متحده در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کرد. مبنای صلاحیت دیوان در این دعوا از نظر ایران، عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی (۱۹۵۵) است که در ۱۵ اوت ۱۹۵۵ به امضای طرفین رسیده و در ۱۶ ژوئن ۱۹۵۷ لازم‌الاجرا شده است. در دعوای پیشین دو دولت در دیوان

بین‌المللی دادگستری نیز این معاهده جهت احراز صلاحیت مورد استناد قرار گرفته بود (میرفخرایی و پیری، ۱۳۹۵: ۱۲۱). رفتار عادلانه و منصفانه با اتباع و شرکت‌های طرف مقابل، عدم ایجاد محدودیت بر پرداخت و نقل و انتقالات مالی، آزادی واردات، صادرات و حمل‌ونقل کالا و آزادی تجارت و کشتیرانی از حقوقی‌اند که در این عهدنامه مقرر شده است. دولت ایران معتقد بود که اقدام ایالات متحده مبنی بر تحمیل مجدد و تشدید تحریم‌ها علیه ایران، موجب نقض تعهدات بین‌المللی ایالات متحده وفق عهدنامه مودت و سایر موازین حقوق بین‌الملل شده است (محمدزاده، ۱۳۹۹).

وفق بند ۳ ماده ۲۳ عهدنامه مودت، «هریک از طرفین معظمین متعاهد، می‌تواند با دادن اخطار کتبی به مدت یک سال به طرف معظم متعاهد دیگر ... این عهدنامه را خاتمه دهد». بر این اساس، پس از طرح این دعوا از سوی جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور خارجه ایالات متحده طی یادداشت دیپلماتیک مورخ ۳ اکتبر ۲۰۱۸ خطاب به وزارت امور خارجه ایران اعلان کرد که ایالات متحده مطابق بند ۳ ماده ۲۳ عهدنامه مودت، آن را فسخ می‌کند. با وجود این اختلافی نیست که در زمان ثبت دادخواست (۱۶ ژوئیه ۲۰۱۸)، این عهدنامه میان طرفین لازم‌الاجرا بوده است (I.C.J., 2021: para 24).

در جریان رسیدگی‌های مقدماتی به دعوای مطروحه از جانب ایران، ایالات متحده پنج ایراد مقدماتی در خصوص صلاحیت دیوان مطرح کرد: دو ایراد اول درباره صلاحیت موضوعی دیوان برای رسیدگی به پرونده براساس بند ۲ ماده ۲۱ عهدنامه مودت است؛ ایراد سوم، عدم قابلیت پذیرش دادخواست ایران به علت سوءاستفاده از فرایند دادرسی (در دیوان) است که به زعم این دولت، به عدم تناسب اقدام قضایی منجر می‌شود؛ دو ایراد آخر نیز بر شقوق «ب» و «د» بند ۱ ماده ۲۰ عهدنامه مودت مبتنی است. اگرچه - از نظر خواننده (ایالات متحده) - دو ایراد اخیر نه به صلاحیت دیوان و نه به قابلیت پذیرش دادخواست مربوط نمی‌شود، اما خواننده درخواست اتخاذ تصمیم در مورد آنها را پیش از هرگونه رسیدگی در ماهیت پرونده دارد (I.C.J., 2021: para 38). از میان ایرادات مزبور، ایراد دوم ناظر بر صلاحیت موضوعی دیوان، حاکی از آن است که بیشتر اقدام‌های مورد اعتراض ایران، مربوط به تجارت و معاملات میان ایران و دولت‌های ثالث است، نه میان ایران و ایالات متحده و در نتیجه در قلمرو صلاحیت موضوعی عهدنامه مودت قرار نمی‌گیرد. در بخش دوم مقاله حاضر این ایراد در پرتو استدلال‌های طرفین و دیدگاه دیوان بررسی می‌شود.

۳. ایراد مقدماتی «اقدام‌های دولت ثالث» در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری

از جمله مهم‌ترین دعوای مطروحه در دیوان که ارتباط موضوع با دولت ثالث از جانب خواننده

مطرح شده و ایراد صلاحیتی خوانده در این خصوص، دیوان را از احراز صلاحیت خود بازداشته است، قضیه تیمور شرقی (۱۹۹۵) است. در این قضیه، پرتغال در خصوص فعالیت‌های خاص استرالیا در خصوص تیمور شرقی، که نتیجه معاهده منعقد شده بین اندونزی و استرالیا در سال ۱۹۸۹ بود، دادخواستی علیه استرالیا در دیوان بین‌المللی دادگستری ثبت کرد. دادخواست مزبور، مبنای صلاحیت دیوان را اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری دیوان وفق بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه تلقی می‌کرد (I.C.J, 1995: para.1).

پرتغال از دیوان درخواست کرد تا رسیدگی و اعلام کند که اولاً، مردم تیمور شرقی نسبت به تمامیت ارضی و حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی و ثروتشان، حق تعیین سرنوشت دارند. همچنین حقوق، تکالیف و اختیارات دولت پرتغال به‌عنوان اداره‌کننده تیمور شرقی از جانب استرالیا نقض شده است؛ ثانیاً، انعقاد معاهده میان استرالیا و اندونزی در سال ۱۹۸۹ و اجرای آن، حقوق پرتغال را نادیده گرفته است؛ ثالثاً، استرالیا متعهد بود تا در خصوص این تحدید حدود، با پرتغال به‌عنوان مقام اداره‌کننده تیمور شرقی مذاکره کند؛ رابعاً، بنا به مراتب یادشده، مسئولیت بین‌المللی استرالیا محقق شده است که نیازمند جبران خسارات وارده به مردم تیمور شرقی و پرتغال است؛ خامساً، استرالیا ملزم به توقف تمام نقض‌های فوق است (I.C.J, 1995: para.10). استرالیا در مقام دفاع اظهار کرد که دیوان باید رسیدگی و اعلام کند که اولاً، برای اتخاذ تصمیم در مورد ادعاهای پرتغال فاقد صلاحیت است و ادعاهای پرتغال غیر قابل پذیرش هستند؛ و ثانیاً، اقدام‌های استرالیا ناقض هیچ‌یک از حقوق بین‌الملل نیست (I.C.J, 1995: para.10).

اقدام‌های دولت ثالث در این قضیه و در استدلال‌های خوانده این‌طور منعکس شده است که استرالیا قائل به آن بود که هیچ اختلافی میان این دولت و پرتغال وجود ندارد و دعوی پرتغال باید علیه اندونزی طرح می‌شد (I.C.J, 1995: para.21). به‌زعم دیوان، از آنجا که پرتغال براساس وقایع موجود، دعوی علیه استرالیا طرح و استرالیا آن را انکار کرده است، یک اختلاف حقوقی وجود دارد. از این‌رو این ایراد مقدماتی استرالیا باید رد شود (I.C.J, 1995: para.22). در خصوص اعتراض دیگر استرالیا مبنی بر ضرورت تعیین حقوق و تعهدات اندونزی، دیوان یکی از اصول اساسنامه را یادآوری می‌کند که وفق آن نمی‌تواند در اختلاف میان دولت‌ها، بدون رضایت آنها اعمال صلاحیت کند (I.C.J, 1995: para.26). دیوان براساس اصل مزبور، نتیجه می‌گیرد که در پرونده حاضر نمی‌تواند صلاحیتی را که طرفین به موجب اعلامیه‌های یکجانبه صادره، به آن اعطا کرده‌اند اعمال کند؛ چراکه به‌منظور اتخاذ تصمیم در خصوص ادعاهای پرتغال، دیوان مجبور به صدور حکم در مورد مشروعیت اقدام‌های اندونزی، با وجود فقدان رضایت آن دولت، خواهد بود (I.C.J, 1995: para.35).

اگرچه دیوان در قضیه پناهندگی (۱۹۵۰) ارتباط موضوع با دولت ثالث را مانع از اعمال

صلاحیت ندانسته بود، با صدور چنین رأی غیرقابل انتظاری در قضیه تیمور شرقی (۱۹۹۵)، نشان داد که قصد اتخاذ رویه ثابت در دعاوی مربوط به دولت ثالث را ندارد. تأثیر این رأی در نظام حقوق بین‌الملل آن خواهد بود که در آینده آن دسته از دعاوی که رسیدگی به آنها مستلزم حضور دولت ثالث است و این دولت تمایلی برای شرکت در اختلاف ندارد، ممکن است با رأی عدم صلاحیت دیوان مواجه شوند (موثقی، ۱۳۸۶: ۱۷۸-۱۷۵). در دعاوی «نقض ادعایی عهدنامه مودت» (۲۰۱۸) که پژوهش حاضر به تحلیل قسمتی از آن می‌پردازد، با پذیرش صلاحیت دیوان به منظور رسیدگی به دعاوی مطروحه ایران علیه ایالات متحده، ظاهراً از رویه اتخاذی در سال ۱۹۹۵ در قضیه تیمور شرقی صرف‌نظر شده و رویه سال ۱۹۵۰ در قضیه پناهندگی مجدداً پیش‌روی دیوان قرار گرفته است؛ امری که تداوم آن موجب می‌شود اختلاف‌های حقوقی بیشتری مجال تبدیل شدن به رویه قضایی دیوان را بیابند. البته می‌توان تفاوت ظریفی هم میان قضیه «تیمور شرقی» و دعاوی «نقض ادعایی عهدنامه مودت» متصور شد: رسیدگی دیوان به دعاوی نخست، مستلزم صدور حکم در مورد مشروعیت اقدام‌های دولت ثالث (اندونزی) مبنی بر انعقاد معاهده با استرالیا و اجرای آن به‌عنوان فعل بود؛ لکن موضوع دعاوی دوم، رسیدگی به اقدام‌های خوانده دعواست که تحریم یکجانبه مقرر داشته و آن را تشدید کرده است، نه اقدام دولتی‌هایی که در نتیجه این تحریم، مبادلات تجاری و مالی خود با ایران را قطع کرده و صرفاً مرتکب ترک فعل شده‌اند.

ایراد صلاحیتی ایالات متحده مبنی بر «اقدام‌های دولت ثالث»:

استدلال طرفین و موضع دیوان

ایالات متحده در جریان رسیدگی مقدماتی این ادعا را مطرح می‌کند که اولاً، موضوع اصلی دعاوی مطروحه از جانب ایران، اجرای برجام است نه عهدنامه مودت؛ ثانیاً، حتی اگر موضوع اصلی اختلاف، اجرای عهدنامه مودت باشد، دیوان صلاحیتی برای پذیرش بیشتر ادعاهای ایران نخواهد داشت، زیرا این ادعاها مربوط به اقدام‌هایی است که اصولاً با تجارت یا معاملات میان ایران و دول ثالث یا میان اتباع و شرکت‌های آنها مرتبط است. این در حالی است که عهدنامه مودت صرفاً بر تجارت میان ایران و ایالات متحده یا اتباع و شرکت‌های آنها قابل اعمال است، نه به تجارت میان یکی از این دو دولت یا اتباع و شرکت‌هایشان با دولت ثالث (I.C.J., 2021: para 61). استدلال‌های ایالات متحده در این زمینه، پاسخ‌های حقوقی ایران و موضع دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص این ایراد مقدماتی به تفکیک بررسی خواهد شد.

۱. استدلال‌های ایالات متحده در مورد ایراد «اقدام‌های دولت ثالث»

ایالات متحده ادعا می‌کند که اکثر قریب به اتفاق تحریم‌های اعمال‌شده یا بازگردانده‌شده وفق قانون ۸ مه ۲۰۱۸، به تجارت یا معاملات ایران (یا شرکت‌ها و اتباع ایرانی) با دول ثالث (یا شرکت‌ها و اتباع آنها) مربوط می‌شود. برخی اقدام‌های اجرایی مستقیم علیه اشخاص آمریکایی نیز در راستای منع این اشخاص از برخی معاملات با ایران یا نهادهای ایرانی بوده که این امر به موجب برجام لغو نشده بود. از این رو این موارد با قانون ۸ مه ۲۰۱۸ و اقدام‌های اجرایی متعاقب آن، احیا نشدند. در نتیجه، ایالات متحده مدعی است از آنجا که ایران صرفاً مشروعیت «اقدام‌های اجرایی ۸ مه» را براساس عهدنامه مودت، نزد دیوان بین‌المللی دادگستری به چالش می‌کشد، به‌واقع نسبت به اقدام‌هایی طرح دعوا می‌کند که بیشتر آنها روابط اقتصادی یا مالی بین ایالات متحده و ایران را متأثر نمی‌سازند، بلکه تأثیر آنها بر روابط اقتصادی و مالی میان ایران و دولت‌های ثالث یا شرکت‌ها و اتباع آنهاست. مطابق دیدگاه ایالات متحده، چنین مواردی، که «اقدام‌های دولت ثالث» نامیده می‌شوند، خارج از قلمرو عهدنامه مودت قرار می‌گیرند (I.C.J. 2021: para 61).

ایالات متحده در مقام تشریح استدلال خود، اظهار می‌دارد که اقدام‌های اجرایی مورد اختلاف را با توجه به هدفشان می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱. تحمیل مجدد برخی از تحریم‌ها وفق قوانین ایالات متحده که متعاقب برجام لغو شده بودند؛ ۲. بازگرداندن مجدد برخی تحریم‌ها که سابقاً خاتمه یافته بودند، از طریق صدور دستور اجرایی ۱۳۸۴۶؛ ۳. وارد کردن مجدد نام برخی اشخاص و اموال آنها در فهرست اشخاص و اموال مسدودشده یا همان فهرست وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (که اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول انسداد دارایی از اتباع دولت‌های خاص را تعیین می‌کند)؛ و ۴. لغو برخی از صدور مجوزها برای فرش، مواد غذایی، هواپیمای مسافربری و قطعات آن و فعالیت‌های نهادها و مؤسسات خارجی تحت مالکیت یا کنترل اشخاص حقیقی یا حقوقی ایالات متحده. خواننده دعوا ادعا می‌کند که از این میان، سه دسته نخست، مربوط به «اقدام‌های دولت ثالث» هستند که در قلمرو عهدنامه مودت قرار نمی‌گیرند (I.C.J., 2021: para 63).

در مورد سه دسته نخست، به‌ویژه آنهایی که مشمول تحمیل مجدد برخی مقررات قانونی لغوشده به موجب برجام می‌شوند، ایالات متحده اظهار می‌دارد که حسب تصریح برجام، تحریم‌هایی که ایالات متحده اعمال آنها را متوقف خواهد کرد، مواردی هستند که علیه اشخاص غیرآمریکایی وضع شده‌اند. همچنین برجام تصریح کرده است که اشخاص آمریکایی و مؤسسات خارجی آمریکایی یا تحت کنترل آمریکا، به‌طور کلی از انجام معاملات مجاز مطابق برجام منع خواهند شد، مگر اینکه از جانب وزارت خزانه‌داری ایالات متحده مجاز به این کار

باشند. بر این اساس، ایالات متحده استدلال می‌کند که افزون بر دسته چهارم، تنها تحریم‌هایی در طول مدت اجرای برجام لغو شده بودند که بر دول ثالث یا اتباع و شرکت‌های آنها متمرکز بودند. دستور اجرایی ۸ مه ۲۰۱۸ نیز صرفاً همین «اقدام‌های دولت ثالث» را مجدداً احیا کرد (I.C.J., 2021: para 64). در این زمینه، یکی از وکلای ایالات متحده، خانم «گهان»^۱، در جلسه استماع اظهار کرد که ویژگی اصلی برجام این بود که تحریم‌های لغوشده به موجب آن، اغلب تحریم‌های ناظر بر مبادلات میان ایران و اشخاص غیرآمریکایی است و تحریم‌های ناظر بر مبادلات میان اشخاص آمریکایی و ایرانی، اغلب تأثیری از برجام نپذیرفته‌اند. به بیان دیگر، از آنجا که تحریم‌های اخیر وفق برجام لغو نشدند، با خروج ایالات متحده از برجام نیز اعمال آنها به قوت خود باقی بوده است. وکیل دیگر ایالات متحده، آقای «بث‌لهم»^۲، نیز اظهار می‌دارد همان‌گونه که ایران در قضیه «برخی اموال ایران» تلاش داشت تا موضوع مصونیت را در چارچوب عهدنامه مودت بگنجاند و با موضع مخالف دیوان مواجه شد، در این قضیه نیز بر آن است تا قلمرو عهدنامه مودت را به تمامی خسارات اقتصادی، فارغ از ارتباط آن خسارات به تجارت و مبادلات میان طرفین عهدنامه، تعمیم دهد (بذار، ۱۴۰۰).

در خصوص وارد کردن مجدد نام برخی اشخاص و اموال آنها در فهرست اشخاص و اموال مسدودشده یا همان فهرست وزارت خزانهداری ایالات متحده، خواننده معتقد است که وارد کردن مجدد نام بیش از ۴۰۰ فرد و مؤسسه در فهرست مزبور، محدودیتی است که اساساً بر اتباع و شرکت‌های دول ثالث وضع شده است که البته با منع آنها از ارائه کالا و خدمات به اشخاص ایرانی مشمول فهرست مزبور، تأثیراتی را متوجه این اشخاص کرده است (I.C.J., 2021: para 66). با چنین توصیفی، ایالات متحده استدلال می‌کند که چنین محدودیت‌هایی مشمول هیچ‌یک از مقررات عهدنامه مودت نیست؛ زیرا این عهدنامه دربردارنده الزام ایالات متحده به اتخاذ یا عدم اتخاذ اقدام‌هایی در زمینه تجارت یا معاملات میان ایران و دولت ثالث نیست. به‌زعم ایالات متحده، چنین اقدام‌هایی مشمول هیچ‌یک از مقررات عهدنامه مودت که حسب ادعای ایران نقض شده‌اند (برای نمونه بندهای ۱ و ۲ ماده ۴، بند ۱ ماده ۵، بند ۱ ماده ۷، بندهای ۱ و ۲ ماده ۸، بندهای ۲ و ۳ ماده ۹ و بند ۱ ماده ۱۰)، قرار نمی‌گیرند (I.C.J., 2021: para 67).

مرور اجمالی مواد یادشده از عهدنامه مودت، بر عدم صحت ادعای ایالات متحده دلالت دارد. برای نمونه، بند ۲ ماده ۴ که مبین محدودیت سرزمینی است، مقرر می‌دارد «اموال اتباع و شرکت‌های هریک از طرفین معظمین متعاهدین، از جمله منافع اموال، از حد اعلاای حمایت و امنیت دائم به‌نحوی که در هیچ مورد، کمتر از مقررات حقوق بین‌الملل نباشد، در قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر برخوردار خواهد بود». اگرچه یکی از قیود این بند به قلمرو متعاهدین اشاره

1. Kimberly A. Gahan
2. Daniel Bethlehem

دارد، اقدام ایالات متحده مبنی بر تحریم و منع دولت‌های ثالث از معامله با ایران، هرگز با روح این ماده و به‌ویژه قیود «الزام به حد اعلاى حمايت و امنيت دائم» و «کمتر از مقررات حقوق بین‌الملل نباشد» مذکور در این بند، سازگاری ندارد. بند ۱ ماده ۷ عهدنامه مودت نیز مقرر می‌دارد «هیچ‌یک از طرفین معظمین متعاهدین، در مورد پرداخت و ارسال و سایر انتقالات پولی به قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر، یا از قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر به قلمرو خود، تزییقاتی قائل نخواهد شد». در این بند نیز اولاً، تزییقات به‌طور عام بیان شده و شامل هرگونه اعمال محدودیتی می‌شود و ثانیاً، نظر به آنکه مفاد آن ناظر به انتقال از قلمرو یکی از متعاهدین یا به قلمرو یکی از متعاهدین می‌شود، می‌تواند دربرگیرنده اقدام دولت ثالث نیز باشد. مطابق مفاد این بند، ایالات متحده نمی‌تواند بر انتقال پول از هر مبدایی به قلمرو ایران و نیز از قلمرو ایران به هر مبدایی، محدودیت اعمال کند. در مورد بندهای ۱ و ۲ ماده ۸ عهدنامه نیز که ایالات متحده آنها را صرفاً ناظر به محصولات ایرانی واردشده به قلمرو آمریکا و یا محصولات آمریکایی صادرشده به قلمرو ایران دانسته و اقدام‌های دول ثالث را خارج از این محدوده تلقی می‌کند (I.C.J., 2021: para 69) با دقت نظر در این بندها می‌توان دریافت که این محصولات، محدود به دو دسته مورد اشاره توسط ایالات متحده نیست و ابعاد گسترده‌تری را شامل می‌شوند؛ از جمله ۱. محصولات ایرانی واردشده به ایالات متحده از هر سرزمینی و هر محصول صادرشده به ایران، همچنین هر محصول واردشده و صادرشده از و به ایران از هر مقصد یا مبدایی؛ ۲. محصولات ایرانی واردشده به هر سرزمینی و هر محصول صادرشده به ایران از هر مبدأ. در نهایت و در خصوص بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه که مقرر می‌دارد: «میان قلمرو سرزمینی طرفین معظمین متعاهد، آزادی تجارت و دریانوردی وجود خواهد داشت»، ایالات متحده بر این باور است که این مقرر حاوی یک «محدودیت سرزمینی حائز اهمیت» است و به‌سبب ویژگی سرزمینی آن، بر کالاهایی که موضوع معاملات با دول ثالث هستند، اعمال نمی‌شود (I.C.J., 2021: para 69). در این زمینه، از محتوای این ماده استنباط می‌شود که اگرچه آزادی تجارت میان دول طرف معاهده و به‌تبع میان قلمرو سرزمینی آنها برقرار شده است، اجرای آزادی تجارت میان قلمرو سرزمینی طرفین، مستلزم آن است که حداقل از سوی طرفین، محدودیتی اعمال نشود که به‌سبب آن تبادل کالا، ارز و خدمات و در نتیجه آزادی تجارت مخدوش شود. مواد پیش‌گفته از عهدنامه مودت گویای آن است که همه تعهدات طرفین در مقابل یکدیگر نمی‌تواند واجد وصف سرزمینی باشد و اعمال تحریم‌ها در موارد زیادی با تعهدات ایالات متحده ناسازگار است.

۲. استدلال‌های جمهوری اسلامی ایران در مورد ایراد «اقدام‌های دولت ثالث»

جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد تا مفهوم «اقدام‌های دولت ثالث» را که مبنای دومین ایراد مقدماتی ایالات متحده در خصوص صلاحیت دیوان بود، به چالش بکشد. مطابق موضع ایران، این مفهوم گمراه‌کننده است، زیرا تمام اقدام‌های ایالات متحده در این مورد، به‌واقع ایران، شرکت‌ها و اتباع ایرانی را هدف قرار داده است و نه دول ثالث و شرکت‌ها و اتباع آنها را. ایران در این زمینه به عبارات وزارت خزانهداری ایالات متحده مورخ ۵ نوامبر ۲۰۱۸ استناد می‌کند که اقدام‌های مورد بحث را به‌عنوان شدیدترین تحریم‌های ایالات متحده که تا به حال بر ایران تحمیل شده و بخش‌های مهم اقتصاد ایران را هدف قرار خواهد داد، توصیف می‌کند (I.C.J., 2021: para 70). ایران در لایحه ۲۳ دسامبر ۲۰۱۹ خود اشعار می‌دارد که دعوای مطروحه، به‌هیچ‌وجه به حقوق دولت‌های ثالث مربوط نیست؛ بلکه منحصراً مربوط به خسارت‌های اقتصادی ایجادشده به‌وسیله یکی از طرفین عهدنامه مودت، برای اتباع و شرکت‌های طرف دیگر عهدنامه است. یکی از وکلای ایران، آقای «وون لو»^۱، در این خصوص استدلال می‌کند که اتباع دولت‌های ثالث، به این دلیل در این قضیه دخیل می‌شوند که ایالات متحده از آنها به‌عنوان ابزاری برای آسیب رساندن به ایران استفاده کرده است. وکیل دیگر ایران، آقای «وُردوُرت»^۲، دسته‌بندی چهارگانه آمریکا از تحریم‌ها را زیر سؤال می‌برد و اظهار می‌دارد برخی از محدودیت‌ها می‌تواند همزمان در هر چهار دسته قرار گیرد (بذار، ۱۴۰۰). در مجموع استدلال ایران در مقام رد ایراد مقدماتی «اقدام‌های دولت ثالث»، در این زمینه است که اولاً، تفکیک اقدام‌ها از مجرای دول ثالث و اقدام‌های مستقیم طرفین عهدنامه مودت، در موارد بسیاری به سهولت امکان‌پذیر نیست؛ ثانیاً، حتی در بیشتر مواردی که این تفکیک میسر است، محدودیت‌هایی که ادعا می‌شود در زمره اقدام‌های دولت ثالث بوده‌اند، به‌طور مستقیم ایران و اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی را متأثر ساخته‌اند.

ایران در راستای نقد مفهوم اقدام‌های دولت ثالث، به حقوق معاهدات بین‌المللی نیز استناد می‌کند. در این زمینه، ایران اظهار می‌دارد که دادخواستش بر مبنای تفسیر برخی مقررات عهدنامه مودت، مطابق با قواعد تدوین‌شده کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات است. خواهان تأکید می‌کند که حسب قواعد وین، معنای عادی متن از اهمیت اساسی برخوردار است و سیاق عبارات متن نیز باید مدنظر باشد. در این زمینه، ایران تصدیق می‌کند که مقررات خاصی از عهدنامه مودت، دربرگیرنده محدودیت‌های سرزمینی‌اند؛ اما نبود چنین محدودیت‌هایی در برخی مقررات، امکان این تفسیر را فراهم می‌آورد که چنین غیابی عمده بوده است (I.C.J., 2021: para 72). ایران با در نظر گرفتن هریک از مقررات عهدنامه مودت که

1. Vaughan Lowe

2. Samuel Wordsworth

ادعای نقض آنها از جانب ایالات متحده را مطرح کرده (وفق دادخواست: بند ۱ ماده ۴، بند ۱ ماده ۷، بندهای ۱ و ۲ ماده ۸، بند ۲ ماده ۹ و بند ۱ ماده ۱۰ و وفق لایحه: بند ۲ ماده ۴، بند ۱ ماده ۵ و بند ۳ ماده ۹)، از دیوان می‌خواهد تا تعیین کند که آیا براساس وقایع ادعایی، یک یا چند مورد از مقررات مزبور توسط ایالات متحده نقض شده‌اند یا خیر. از نظر ایران، «وقایع مربوطه» به‌طور خاص حکایت از آن دارند که اولاً، موضوع و اثر اقدام‌های ایالات متحده، از جمله «اقدام‌های دولت ثالث»، محروم کردن اتباع و شرکت‌های ایرانی از دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایشان یا آسیب رساندن به چنین دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی در مقیاس گسترده بوده است؛ ثانیاً، اتباع و شرکت‌های ایرانی که در بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران فعالیت می‌کنند، به‌عمد هدف اقدام‌های ایالات متحده قرار گرفته‌اند؛ ثالثاً، تحریم‌ها در حال نبود کردن اقتصاد و ارز رایج ایران هستند و میلیون‌ها نفر از مردم را به‌سوی فقر سوق می‌دهند (I.C.J., 2021: para 73). استدلال ایران در این راستاست که بسیاری از اقدام‌های ایالات متحده نه‌ناظر به دول ثالث، که مستقیم ناظر بر ایران و اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی است.

ایران با مرور مقررات مختلف عهدنامه مودت که ادعای نقض آنها از جانب ایالات متحده را دارد، نتیجه می‌گیرد که موارد نقض عهدنامه مودت، شامل مقررات برشمرده‌شده از عهدنامه می‌شود و در نتیجه، این اختلاف از مواردی است که دیوان، صلاحیت موضوعی برای رسیدگی به آن را حسب بند ۲ ماده ۲۱ دارد (I.C.J., 2021: para 74). به بیان دیگر از دیدگاه ایران، اقدام‌های ایالات متحده اولاً، در غالب موارد به‌طور مستقیم ایران و اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی را متأثر ساخته است؛ ثانیاً، اقدام‌های مزبور به‌مثابه وقایعی است که مواد یادشده از عهدنامه مودت را نقض کرده است. اینکه هر یک از مواد یادشده عهدنامه مودت از چه نظر نقض شده‌اند، در دادخواست ایران به دیوان تشریح شده است. برای نمونه در مورد بند ۱ ماده ۴ عهدنامه مودت، ایران مدعی است که اعمال تحریم‌های ۸ مه ۲۰۱۸ از جانب ایالات متحده، از جمله تحریم‌هایی که تأثیرات برون‌مرزی دارند، یا تحریم‌هایی که اشخاص آمریکایی و غیرآمریکایی را وادار به لغو روابط قراردادی یا اقتصادی خودشان با ایران، شرکت‌ها و افراد ایرانی می‌کنند، ناقض این مقرره از عهدنامه هستند. حسب ادعای ایران، این اقدام‌ها برخلاف معیار «رفتار عادلانه و منصفانه»^۱ مذکور در بند ۱ ماده ۴ عهدنامه‌اند و تبعیض‌آمیز و غیرمعقول به‌شمار می‌روند (ICJ Report, 2018: para 41). همچنین در مورد بند ۱ ماده ۷ عهدنامه، ایران مدعی است که ایالات متحده با اعمال تحریم‌های مالی، به‌ویژه ایجاد ممنوعیت‌هایی در خرید دلارهای آمریکایی یا ریال ایرانی و نیز محدودیت‌های مربوط به گردش دلار به یا از قلمرو سرزمینی ایران، مقررۀ مزبور را نقض کرده است (ICJ Report, 2018: para 43). در خصوص بندهای ۱ و ۲ ماده ۸ عهدنامه نیز استدلال ایران این است که ایالات متحده با لغو مجوزهایی که به برخی مؤسسات، امکان برقراری روابط

اقتصادی با ایران و شرکت‌ها و افراد ایرانی را می‌داد و نیز لغو مجوزهای صادره توسط اوفک که به مؤسسات مزبور، اجازه فروش و صادر کردن هواپیمای تجاری و قطعات و خدمات مربوطه به ایران و وارد کردن محصولات ایرانی از جمله فرش و مواد غذایی ایرانی به آمریکا را می‌داد، بندهای مذکور از عهدنامه را نقض کرده است (ICJ Report, 2018: para 45). در مورد بند ۲ ماده ۹ عهدنامه هم ایران مدعی است که ایالات متحده با اعمال تحریم‌ها نسبت به شرکت‌ها و افراد خارجی که با شرکت‌ها و اتباع ایرانی، مبادلات تجاری در قالب واردات و صادرات داشتند و لغو مجوزهایی که در مواردی واردات و صادرات را با شرکت‌ها و اتباع ایرانی اجازه می‌داد، این بندهای عهدنامه را نقض کرده است (ICJ Report, 2018: para 47). در خصوص بند ۱ ماده ۱۰ نیز ایران استدلال می‌کند که ایالات متحده با لغو مجوزهایی که اجازه روابط تجاری محدودی در ارتباط با هواپیما، مواد غذایی و فرش بین قلمرو سرزمینی ایران و آمریکا را می‌داد و لغو مجوزهایی که مؤسسات خارجی تحت کنترل ایالات متحده یا مؤسسات خارجی متعلق به این دولت، براساس آن مجاز به داشتن روابط اقتصادی با ایران و شرکت‌ها و اتباع ایرانی بودند، این قسمت از عهدنامه را نقض کرده است (ICJ Report, 2018: para 49). رویکرد ایران در طرح دعوا با استناد به عهدنامه مودت و ادعای نقض موادی از این عهدنامه از جانب ایالات متحده، گویای آن است که تمرکز خواسته بر نقض عهدنامه است، نه اینکه این نقض به‌طور مستقیم ناشی از فعل خواننده باشد یا ناشی از تصمیم این دولت و به‌واسطه دولت یا دولت‌های ثالث باشد. از این رو ایراد مقدماتی «اقدام‌های دولت ثالث»، به اساس ادعای ایران خللی وارد نمی‌آورد.

۳. موضع دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد ایراد «اقدام‌های دولت ثالث»

دیوان در بررسی این ایراد، ابتدا تقیید خود به احراز این مهم را یادآور می‌شود که آیا مورد شکایت خواهان، در قلمرو مقررات عهدنامه قرار می‌گیرد یا نه و خاطر نشان می‌کند که احراز این امر ممکن است مستلزم تفسیر مقررات ناظر بر قلمرو معاهده باشد. پس از ذکر این ضرورت در رسیدگی به دعوای مطروحه، دیوان اظهار می‌دارد که ایراد «اقدام‌های دولت ثالث» شامل همه ادعاهای ایران نمی‌شود؛ البته بیشتر آنها را در برمی‌گیرد. دیوان ادامه می‌دهد که حسب ادعای خود خواننده، یکی از چهار دسته اقدام‌هایی که متعاقب تصمیم ۸ مه ۲۰۱۸ برقرار شده است (دسته چهارم)، نمی‌تواند به‌عنوان «اقدام‌های دولت ثالث» توصیف شود، بنابراین مشمول این ایراد مقدماتی قرار نمی‌گیرد. دسته مزبور، شامل لغو برخی صدور مجوزها هستند که امکان شرکت در برخی معاملات مالی و تجاری با ایران، در طول مدت اجرای برجام را فراهم کرده بود (I.C.J., 2021: para 76). از موضع دیوان می‌توان دریافت که این ایراد خواننده، دعوای خواهان را به‌طور کلی منتفی و از صلاحیت دیوان خارج نمی‌کند.

دیوان ادامه می‌دهد که حتی اگر دومین ایراد مقدماتی در خصوص صلاحیت را تأیید کند - و با فرض اینکه استدلال‌های خواهان در مورد هیچ‌یک از ایرادات مقدماتی دیگر را نپذیرد - دادرسی خاتمه نخواهد یافت؛ چراکه در هر صورت، رسیدگی به مقوله چهارم که «اقدام‌های دولت ثالث» تلقی نمی‌شوند، در مرحله ماهیت ادامه خواهند یافت (I.C.J., 2021: para 77). دیوان همچنین بر این باور است که طرفین در خصوص مفهوم «اقدام‌های دولت ثالث» و تأثیراتی که این مفهوم می‌تواند در پرونده داشته باشد، اختلاف‌نظر دارند. طبق نظر ایالات متحده، دیوان باید در زمینه رسیدگی به بیشتر ادعاهای ایران، اعلام عدم صلاحیت کند؛ چراکه اکثر قریب به اتفاق اقدام‌های مورد شکایت، ناظر بر مؤسسات و شرکت‌ها و اشخاص غیرآمریکایی است. این در حالی است که از دیدگاه ایران، مفهوم «اقدام‌های دولت ثالث» کمکی به حل مسئله صلاحیت نکرده و از این نظر غیرمرتبط است؛ از این رو لازم است هریک از چهار دسته اقدام‌ها و تحریم‌های مدنظر خواننده، از این منظر مورد بررسی دیوان قرار گیرند که آیا مشمول مواد مختلف عهدنامه مودت قرار می‌گیرند و ناقض آن مواد تلقی می‌شوند یا خیر (I.C.J., 2021: para 78). این اختلاف اگرچه از حیث اتخاذ تصمیم دیوان در خصوص صلاحیت حائز اهمیت است، به اختلاف دیگری میان طرفین دعوا نیز منجر می‌شود.

آن گونه که دیوان احراز می‌کند، طرفین دعوا در مورد تفسیر مقرراتی از عهدنامه مودت که ایران ادعای نقض آنها از جانب ایالات متحده را دارد، نیز اختلاف‌نظر دارند که این اختلاف به‌طور خاص شامل قلمرو سرزمینی برخی مواد عهدنامه و محدوده سایر آن مواد می‌شود. از دیدگاه ایران، مقرراتی از عهدنامه که به صراحت متضمن محدودیت سرزمینی نیستند، باید به گونه‌ای تفسیر شوند که نسبت به اقدام‌های صورت گرفته در همه مکان‌ها قابل اعمال باشند؛ درحالی‌که از نظر ایالات متحده، موضوع و هدف عهدنامه مودت حکایت از آن دارد که این عهدنامه صرفاً به حمایت از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و تجاری یکی از طرفین یا اتباع و شرکت‌های آن در قلمرو سرزمینی طرف دیگر مربوط می‌شود. گذشته از این، ایران ادعا می‌کند که عهدنامه مودت، ایالات متحده را از تزییع حقوق تضمین شده برای ایران و اتباع و شرکت‌های ایرانی منع می‌کند؛ به‌ویژه از اقدام‌هایی که به‌طور مستقیم علیه این اتباع یا شرکت‌ها یا علیه اشخاص آمریکایی در ارتباطشان با ایران اعمال شده یا اقدام‌هایی که علیه دولت ثالث صورت گرفته و هدف اصلی آن، بازداشتن ایران و اتباع و شرکت‌های ایرانی از بهره‌مندی از حقوقشان بر اساس عهدنامه مودت بوده است؛ امری که ایالات متحده به آن معترض است (I.C.J., 2021: para 79). پس از احراز اختلاف‌نظرهای طرفین، دیوان به هدف اصلی اقدام‌های ایالات متحده، هم در حوزه اقدام‌های مستقیم و هم در قلمرو اقدام‌های دولت ثالث، می‌پردازد.

دیوان با بررسی وقایع پرونده، معتقد است همه اقدام‌هایی که ایران از آنها شکایت می‌کند (اقدام‌هایی که در نتیجه قانون ۸ مه ۲۰۱۸ برقرار یا اعاده شدند) هدفشان تضعیف اقتصاد ایران

است. به‌زعم دیوان، براساس بیانیۀ رسمی مقامات ایالات متحده، هدف آنچه آمریکا «اقدام‌های دولت ثالث» می‌نامد، ایران و اتباع و شرکت‌های ایرانی است و این اقدام‌ها یا به‌طور مستقیم علیه مؤسسات ایرانی یا علیه اشخاص آمریکایی، به‌منظور منع آنها از معاملات با ایران و اتباع و شرکت‌های ایرانی صورت گرفته است. البته این مطلب به آن معنا نیست که همه اقدام‌های مورد بحث، نقض تعهدات ایالات متحده براساس عهدنامۀ مودت تلقی می‌شوند (I.C.J., 2021: para 80). از سوی دیگر، صرف این واقعیت که برخی از اقدام‌های به چالش کشیده‌شده - خواه حسب ادعای ایالات متحده «اکثریت قریب به اتفاق» اقدام‌ها باشند یا خیر - علیه دول ثالث یا اتباع و شرکت‌های آنها مقرر شده باشند، کفایت نمی‌کند که آن اقدام‌ها از قلمرو عهدنامۀ مودت خارج شوند. در نتیجۀ دیوان تنها از طریق بررسی دقیق و جزئی هریک از اقدام‌های مورد بحث و حدود و تأثیر واقعی آنها و با در نظر گرفتن معنا و قلمرو مقررات مختلف عهدنامۀ مودت می‌تواند تعیین کند که آیا آن اقدام‌ها، بر اجرای تعهدات ایالات متحده وفق عهدنامۀ مودت تأثیرگذار است و نقض آن محسوب می‌شود یا خیر (I.C.J., 2021: para 81). به این ترتیب، دیوان زمینۀ ای را فراهم می‌کند که نسبت به این ایراد مقدماتی، در مرحلۀ ماهوی به بررسی بپردازد.

در مجموع، دیوان معتقد است که دومین ایراد مقدماتی ایالات متحده موسوم به «اقدام‌های دولت ثالث» به دامنۀ برخی تعهداتی مربوط است که توسط خواهان در پروندۀ حاضر، به آنها استناد شده است و به پرسش‌هایی حکمی و موضوعی منجر می‌شود. بررسی دامنۀ این تعهدات و بررسی ابعاد حقوقی و واقعی پرونده، به‌واقع اموری مربوط به ماهیت هستند که دیوان در مراحل بعدی رسیدگی و براساس استدلال‌های طرفین، در خصوص آن اتخاذ تصمیم خواهد کرد (I.C.J., 2021: para 82). با توجه به مطالب یادشده، دیوان نمی‌تواند دومین ایراد مقدماتی مطرح‌شده از جانب ایالات متحده در خصوص صلاحیت را تأیید کند (I.C.J., 2021: para 83). اهمیت این قسمت از رأی دیوان از آن حیث است که در مواجهه با آمیزه‌ای از مسائل حقوقی و وقایع مربوط به مرحلۀ رسیدگی ماهوی، تصمیم به پذیرش صلاحیت و ورود به ماهیت رسیدگی گرفت. به‌نظر می‌رسد تصمیم‌گیری دیوان در این زمینه، به‌شدت به توصیف خواهان از اختلاف متکی است (شفیعی، ۱۴۰۰). این اتکا به‌طور خاص از دو نظر است: نخست آنکه دیوان این موضع ایران را که تحریم‌ها در هر چهار مقوله، اقتصاد ایران را هدف قرار داده است، می‌پذیرد؛ دوم آنکه دیوان ایراد «اقدام‌های دولت ثالث» را دارای چنان ظرفیتی نمی‌انگارد که موضوع اختلاف را از مواد مربوطه عهدنامۀ مودت منفک کند و با این موضع ایران همسو می‌شود که یکایک نقض‌های ادعایی مستلزم تطبیق با مقررات عهدنامۀ مودت است.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی مواضع و استدلال‌های جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا و دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوای نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت که تاکنون به صدور رأی صلاحیتی مورخ ۳ فوریه ۲۰۲۱ منجر شده است، پرداخت و از میان محورهای مورد اختلاف میان طرفین در جریان رسیدگی صلاحیتی، یکی از محورها، یعنی اقدام‌های دولت ثالث را در کانون توجه قرار داد. یافته‌های تحقیق حاضر را می‌توان از این قرار دانست: اولاً، حسب ادعای ایالات متحده ایران در خصوص اقدام‌هایی طرح دعوا می‌کند که بیشتر آنها روابط اقتصادی یا مالی بین ایالات متحده و ایران را متأثر نمی‌سازند، بلکه تأثیر آنها بر روابط اقتصادی و مالی میان ایران و دولت‌های ثالث یا شرکت‌ها و اتباع آنهاست که خارج از قلمرو عهدنامه مودت قرار می‌گیرند؛ زیرا این عهدنامه دربردارنده الزام ایالات متحده به اتخاذ یا عدم اتخاذ اقدام‌هایی در زمینه تجارت یا معاملات میان ایران و دولت ثالث نیست؛ حال آنکه مرور مفادی از عهدنامه مودت نشان داد که اعمال تحریم‌ها در موارد زیادی با تعهدات ایالات متحده ناسازگار است؛ ثانیاً، وفق دیدگاه ایران، از یکسو، تفکیک اقدام‌ها از مجرای دول ثالث و اقدام‌های مستقیم طرفین عهدنامه مودت، در موارد بسیاری به سهولت امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر، حتی در بیشتر مواردی که این تفکیک میسر است، محدودیت‌هایی که ادعا می‌شود در زمره اقدام‌های دولت ثالث بوده‌اند، به‌طور مستقیم ایران و اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی را متأثر ساخته‌اند؛ ثالثاً، به موجب موضع دیوان، از یک نظر، ایراد خواننده مبنی بر «اقدام‌های دولت ثالث»، دعوای خواهان را به‌طور کلی منتفی و از صلاحیت دیوان خارج نمی‌کند؛ از حیث دیگر، صرف این واقعیت که برخی از اقدام‌های به چالش کشیده شده، علیه دول ثالث یا اتباع و شرکت‌های آنها مقرر شده باشند، کفایت نمی‌کند که آن اقدام‌ها از قلمرو عهدنامه مودت خارج شوند؛ و از جهت سوم، ایراد «اقدام‌های دولت ثالث» به دامنۀ برخی تعهداتی مربوط است که توسط خواهان در پرونده حاضر، به آنها استناد شده است که بررسی دامنۀ این تعهدات و بررسی ابعاد حقوقی و واقعی پرونده، به‌واقع، اموری مربوط به ماهیت دعوا هستند.

در پرتو یافته‌های تحقیق حاضر، شایسته است که مروری بر پرسش اصلی مقاله حاضر و پاسخ به آن صورت گیرد. پرسش اساسی در این مقاله از این قرار بود که «اقدام‌های دولت ثالث» به‌عنوان یکی از ایرادات صلاحیتی خواننده، در رأی صلاحیتی دیوان بین‌المللی دادگستری مورخ ۳ فوریه ۲۰۲۱ چه بازتابی داشته است؟ فرضیه تحقیق پیش‌رو در پاسخ به این پرسش، حکایت از آن داشت که با استنباط از رأی صادره دیوان، آنچه در احراز صلاحیت این مرجع قضایی، به‌منظور بررسی نقض عهدنامه مودت به‌عنوان معاهده‌ای دوجانبه میان ایران و ایالات متحده حائز اهمیت است، فعل ایالات متحده مبنی بر تحریم اقتصادی است، نه شیوه اجرا و مجری آن فعل که می

تواند ایالات متحده یا هر دولت دیگری باشد. از این رو برای احراز صلاحیت دیوان، کافی است که این فعل ظاهراً ناقض مفاد عهدنامه مودت بوده و منتسب به یکی از طرفین معاهده باشد. در تطبیق با یافته‌های تحقیق پیش‌رو، این فرضیه را می‌توان تأیید و تکمیل کرد. تکمیل این فرضیه از آن نظر است که بررسی رابطه میان اقدام‌های دولت ثالث، تحریم‌های ایالات متحده و تبعاتی که از این مجرا متوجه ایران و شرکت‌ها و اتباع ایرانی شده است و تعیین نسبت همه آنها با عهدنامه مودت، میسر نیست، مگر با بررسی همه نقض‌های ادعایی در مرحله ماهیت.

در خاتمه پیشنهاد می‌شود که تیم حقوقی ایران در مرحله رسیدگی‌های ماهوی، این آورده دیوان در رأی صلاحیتی را مدنظر قرار دهد که حتی اگر «اکثریت قریب به اتفاق» نقض‌های ادعایی در زمره اقدام‌های دول ثالث یا اتباع و شرکت‌های آنها باشند، این واقعیت کفایت نمی‌کند که آن اقدام‌ها از قلمرو عهدنامه مودت خارج شوند. در نتیجه، مناسب‌تر آن است که استدلال حقوقی ایران در مرحله ماهوی، چگونگی نقض عهدنامه مودت توسط اقدام‌های ایالات متحده باشد؛ این مهم فراتر از آن است که ایالات متحده در این زمینه تا چه حد تعمد داشته است. به بیان دیگر، این ادعای ایران که اتباع و شرکت‌های ایرانی که در بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران فعالیت می‌کنند، به‌عمد هدف اقدام‌های ایالات متحده قرار گرفته‌اند، کمکی به چگونگی نقض عهدنامه مودت از جانب ایالات متحده نمی‌کند. به‌نظر می‌رسد که تمرکز ایران بر ارکان مسئولیت بین‌المللی دولت (نقض تعهد بین‌المللی و قابلیت انتساب) همان خط‌مشی ترسیم‌شده دیوان برای فرایند دادرسی ماهوی است که از مجرای تطبیق اقدام‌های ایالات متحده با تعهدات این دولت به موجب عهدنامه مودت می‌گذرد و گویی چنانچه استدلال‌های ایران در این مسیر ساماندهی شوند، مقبول دیوان قرار خواهند گرفت.

منابع

فارسی

الف) مقالات

۱. ملاکریمی، امید؛ جلالی محمود (۱۳۹۶)، «ماهیت برجام از منظر حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۷، ش ۱، بهار، ص ۷۳-۵۱.
۲. موثقی، حسن (۱۳۸۶)، «تحلیل رأی صلاحیتی دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه تیمور شرق [پرتغال علیه استرالیا ۳۰ ژوئن ۱۹۹۵]»، *فصلنامه علامه*، ش ۱۵، پاییز، ص ۱۸۵-۱۶۲.
۳. میرفخرائی، حسن؛ پیری، صادق (۱۳۹۵)، «استنادپذیری عهدنامه مودت ۱۹۵۵ درباره تحریم‌های غرب علیه ایران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال نهم، ش ۳۴، تابستان، ص ۱۲۶-۹۶.

ب) سایت‌ها

۴. بذار، وحید (۱۴۰۰)، جدال حقوقی وکلای ایران و آمریکا در قضیه نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت: THIRD COUNTRY MEASURES، قابل دسترس در:
<https://bigdeliacademy.com/1400/02/24/iran-united-states-claims-drvahidbazzar>
۵. شفیعی، زهره (۱۴۰۰)، مطالعه متدلوژی‌های متضاد صلاحیتی: آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای ایران علیه ایالات متحده آمریکا و قطر علیه امارات متحده عربی در فوریه ۲۰۲۱، قابل دسترس در: <https://bigdeliacademy.com/1400/01/25/icj-zohreshafie>
۶. محمدزاده، ساوالان (۱۳۹۹)، جدال حقوقی ایران و آمریکا در لاهه، قابل دسترس در: www.iusnews.ir

۲. انگلیسی

A) Documents & Cases

1. I.C.J, Alleged Violations of Treaty of Amity, Economic Relations and Consular Rights (Iran v. USA), Judgment of 3 February 2021.
2. I.C.J, East Timor (Portugal v. Australia), Judgment of 30 June 1995.
3. ICJ Reports, Application of Alleged Violations of Treaty of Amity, Economic Relations and Consular Rights (Iran v. USA), Filed in the Registry of the Court on 16 July 2018.
4. U.N. Treaty Series, "The Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons", Adopted by General Assembly at 1 July 1968, Entered into Force at 5 march 1970.
5. INFCIRC/214, THE TEXT OF THE AGREEMENT BETWEEN IRAN AND THE AGENCY FOR THE APPLICATION OF SAFEGUARDS IN CONNECTION WITH THE TREATY ON THE NON-PROLIFERATIO OF NUCLEAR WEAPONS, 13 December 1974.
6. IAEA, Implementation of the NPT safeguards agreement in the Islamic Republic of Iran, Repot by Director General,(Gov/2003/32).
7. IAEA, Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran, Resolution adopted on 4 February 2006 , (Gov/2006/14).
8. NSPM / National Security Presidential Memorandum, Administration of Donald J. Trump, National Security Presidential Memorandum on Ceasing United States Participation in the Joint Comprehensive Plan of Action and Taking Additional Action To Counter Iran's Malign Influence and Deny Iran All Paths to a Nuclear Weapon, May 8, 2018.
9. The security council , S/RES/1696 (2006), Resolution 1696 (unscr.com).
- 10 . The security council ,S/RES/1737 (2006) ,Security Council Resolution 1737 - UNSCR.

References In Persian:

A) Articles

1. Mirfakhraei, Seyed Hassan & Piri, Sadegh (2016), " Study on Applicability of Amity Treaty of 1955 for Propounding the Case in the ICJ in Regard to the Western Sanctions against Iran", *Studies of International Relations Journal*, No.34, pp.96-126 (In Persian).
2. Mollakarami, Omid & Jalali, Mahmoud (2017), " Nature of JCPOA From Perspective of International Law", *Quarterly Journal of Public Law Studies*, No.1, pp.51-73 (In Persian).
3. Movassaghi, Hassan (2007), " Analysis of the Judgment of the International Court of Justice in the Jurisdiction in case concerning East Timor (Portugal v. Australia. 30 june 1995)", *Quarterly Journal of Allameh*, No.15, pp.162-185 (In Persian).